

## پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده

لزوم طبقه‌بندی - مشکلات مدیریت

مهندس هنریک مجنونیان\*

کلمات کلید: حمایت، حفاظت، طبقه‌بندی مدیریت، پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده

### خلاصه

با تجزیه و تحلیل اهداف حفاظت می‌توان مناطق را از نظر مدیریت طبقه‌بندی نمود. طبقه‌بندی مناطق این امکان را بوجود می‌آورد که تمامی پارکهای ملی و مناطق حفاظت همپایه در سطح جهان تحت مدیریت مناسب و همسانی قرار گیرند. طبقه‌بندی اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی که بیش از یک‌دهه پیش از این تدوین گردیده و هنوز اهمیت خود را حفظ کرده، متأسفانه در بسیاری از کشورها مورد توجه قرار نگرفته است. برای دستیابی به اهداف استراتژی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی طبقه‌بندی مناطق از جهت حفاظت و مدیریت امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. موانع اصلی دستیابی به حفاظت مطلوب، نابرابری رشد مناطق حفاظت شده در برابر گسترش تخریب طبیعت، نارسایی‌های عمده مدیریت در مناطق حفاظت شده، لزوم حفاظت مطابق با رهنمودهای اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی و انطباق مناطق حفاظت شده در ایران با سیستم طبقه‌بندی اتحادیه از مواردی است که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته‌اند.

## مقدمه

باتجزیه و تحلیل اهداف حفاظت می‌توان طبقه‌بندیهای مختلفی از نظر مدیریت مناطق ارائه نمود. بدون توجه به نامگذاری و عنوان رایج مناطق در هر کشوری، در صورتی که هدفهای حفاظت از آنها مشخص گردد، می‌توان این مناطق را هماهنگ با کلیه ذخیره‌گاههای همپایه<sup>۱</sup> در سطح جهان، تحت مدیریت مناسب و یکسانی قرار داد. هدف اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی از طبقه‌بندی مناطق ثبت شده رسمی، این است که مناطق همپایه از مدیریت واحدی برخوردار گشته و کلیه مناطق حفاظت شده در شبکه جهانی، از طریق ویژگیهای خود به هدفهای حفاظتی خاصی اختصاص یافته و به گونه‌ای تحت مدیریت قرار گیرند که در راستای استراتژی جهانی حفاظت از طبیعت عمل کرده و با توجه به اولویتهای آن، هدفهای استراتژی را برآورده سازند. البته هدفهای حفاظتی کشورها بدون آن که میزان موفقیت آنها در دستیابی به این هدفها مطرح باشد، به طور کلی هیچگونه تعارضی با استراتژی جهانی حفاظت از طبیعت ندارد ولی برای سهولت و استفاده بهتر از تجربیات بدست آمده در امر مدیریت مناطق واقع در شبکه جهانی که به طور رسمی ثبت و فهرست شده‌اند، لازم است که قرارگاه هر یک از مناطق که به تبع آن ارزشها، ویژگیها، هدفها و نحوه حفاظت از آنها مشخص می‌شود، تعیین‌گشته و در طبقه خاصی جای گیرد. ضمناً "با توجه به تغییرات و دگرگونیهای حاصل در عرصه طبیعت و بموازات پیشرفتهائی که در امر حفاظت از طبیعت صورت می‌گیرد، کلیه کشورها بتوانند همگام با یکدیگر با توجه به اولویتهای حفاظتی و تغییرات آنها از کلیه دستاوردهای موجود استفاده کرده و در حفظ طبیعت مشارکت سودمندی داشته باشند. هدفهای عمده استراتژی جهانی حفاظت از طبیعت در عرصه حفظ منابع زنده:

هدفهای این استراتژی که در سال ۱۹۸۰ طی پژوهشنامه‌ای از طرف اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی با همکاری یونپ و بنیاد حیات وحش جهان منتشر و در اختیار کلیه سازمانهای ذیربط در حفظ منابع طبیعی تجدید پذیر قرار داده شد به قرار زیر تعیین شده‌اند:

۱- حفظ فرایندهای اکولوژیک ضرور و نگهداری سیستمهای حیات بخش ۲:

فرایندهای اکولوژیک ضرور آن دسته از فرایندها را شامل می‌شود که قویاً " تحت تاثیر

اکوسیستمها قرار داشته و برای تولید مواد غذایی، بهداشت و تندرستی و سایر جنبه‌های زیستی انسان و توسعه پایدار<sup>۱</sup> ضروری می‌باشند و بوسیله اکوسیستمها هدایت، حمایت و یا بشدت تعدیل پیدا می‌کنند. سیستمهای حیات بخش نیز اکوسیستمهای اصلی ذیربط را شامل می‌شود. بعنوان نمونه، جنگلهای حوضه آبخیزها، تالابهای ساحلی و نظایر آن. باید توجه داشت که نگهداری این گونه فرایندها و سیستمها صرف نظر از میزان توسعه جوامع، برای همه آنها حیاتی است. در حال حاضر مهم ترین سیستمهای حیات بخشی که بیش از همه در معرض خطر قرار دارند عبارتند از: سیستمهای کشاورزی، جنگلهای سیستمهای ساحلی و آبهای شیرین. حفاظت واحیاء خاکها، بازگردانی مواد غذایی در سیکل طبیعت، پاکسازی آنها از آلاینده‌ها، از جمله اقداماتی است که می‌تواند این فرایند و سیستمها را که برای بقاء و توسعه انسان کاملاً ضروری است تضمین کند.

۲- حفظ تنوع ژنتیکی<sup>۲</sup>: حفظ ماده ژنتیکی در تمامی طیف زیست‌مندان جهان به این دلیل که کلیه برنامه های تکثیر و پرورش واصلاح نژاد برای حفظ و افزایش سطح کیفی نباتات زراعی، حیوانات اهلی و همچنین پیشرفتهای علمی، نوآوریهای فنی و بقای صناعی که از منابع زنده استفاده می‌کنند و مطلقاً به آنها وابسته هستند یک امر ضرور و اجتناب ناپذیر بشمار می‌رود. جلوگیری از انقراض گونه ها، حفظ کلیه گونه های در خطر انقراض موجود، حفظ تنوع ژنتیکی در درون یا بیرون زیستگاههای ویژه خود<sup>۳</sup>، حفظ اکوسیستمهای نمونه، گزینش مناسب مناطق حفاظت شده برای جوامع گیاهی یا جانوری که بایستی حفظ شوند، از نظر پراکندگی، اندازه و مدیریت، از اقداماتی است که باید در نظر گرفته شوند.

۳- تضمین بهره‌وری<sup>۴</sup> پایدار از گونه ها و اکوسیستمها: بهره‌وری پایدار از گونه‌ها و اکوسیستمها بویژه ماهیان، حیات وحش، جنگلهای مراتع از آن جهت حائز اهمیت است که منبع تغذیه میلیونها اجتماع روستایی و صنایع به شمار می‌رود. بهره‌وری براساس ظرفیت گونه‌ها و اکوسیستمها، تعیین ضوابط بهره‌وری، با توجه به انواع اکوسیستمها، میزان، نوع و زمان بهره‌وری، اعمال محدودیتهای لازم، بهبود روشهای بهره‌وری، ارزیابی تواناییهای اکوسیستمها، تقلیل بهره‌وری از طریق تامین سایر منابع جانشین شونده،

1- Sustainable development

2- Genetic diversity

3- Insitu,exsitu

4- Sustainable utilization

ترمیم واحیاء از جمله اقداماتی است که باید تحقق پذیرند. (۳)

این هدفها در اکثر کشورها با شدت و ضعف متفاوتی مورد توجه سازمانهای مسئول حفاظت از منابع زیستمند قرار داشته و اساس برنامه های زیست - محیطی آنها را تشکیل می دهد ولی اگر فوریت های پژوهشنامه فوق در نظر گرفته شود، ناهماهنگی های زیادی را می توان در برنامه های حفاظتی کشورها مشاهده نمود. بویژه در عرصه طبیعت و حفاظت بخشهای معینی از آن، این ناهماهنگی ها کاملاً " چشمگیر است. این ناهمسانی و نارسایی ها از نظر هدف، نحوه مدیریت، استفاده از دستاوردها و تجربیات حاصل شده در مناطق مختلف حفاظت شده به گونه ای است که حتی موجودیت مناطق رادر دراز مدت به شدت تهدید نموده است. در صورتی که کلیه مناطق تحت طبقه بندی واحدی قرار گیرند، دستیابی به آماج حفاظت، رفع نارسایی های مدیریت، بهره وری از نتایج پژوهشها، می تواند نابرابری کشورها را از نظر حفظ منابع زیستی تقلیل دهد. در حال حاضر با توجه به توسعه سریع و پرشتاب اقتصادی، آن دسته از مناطق طبیعی که ساختمان و چرخه زیستی آنها تاکنون بزحمت حفظ شده اند ناگزیرند روز بروز فشار بیشتری را تحمل کنند. این مناطق فقط برای مدت کوتاهی قادر خواهند بود که نقشهای ویژه خود را در ارتباط با مسائل مختلفی نظیر تکثیر و توسعه منابع تجدید پذیر، نگهداری تعادل اکولوژیک و حفظ محیط زیست، ایفاء کنند. از طرف دیگر اهداف حفاظت از طبیعت بیش از حد رشد کرده اند و به موازات حمایت از منابع طبیعی، بسیاری از هدفها نظیر حفاظت از ذخائر توارثی منابع زنده، بهبود محیط زیست در سطح محلی، منطقه ای و جهانی مطرح شده اند. با توجه به این موضوع تفکیک اهداف ویژه در تیپهای مختلف مناطق حفاظت شده، طبقه بندی اراضی براساس فعالیتهای حفاظت از طبیعت و نوع حمایت مورد نیاز، در هر یک از اراضی امری ضروری گشته است (۴). ضمناً علاوه بر طبقه بندی مناطق و حفاظت مستقیم این عرصه ها، باید فعالیتهای مربوط به حفاظت در سیستم بسیار بازتری عمل کرده و سطوح وسیعتری را تحت پوشش خود قرار دهد تا اراضی خارج از مناطق رسمی واقع در طبقه بندیها به نحو مطلوبتری بتوانند به اهداف و وظائف تعیین شده در مناطق تحت مدیریت جامه عمل بپوشانند (۱) اراضی ویژه اختصاص یافته برای فعالیتهای مختلف حفاظت از طبیعت در این میان از اهمیت خاصی برخوردار بوده و مسئولیت عمده ای به دوش خود دارند.

گرچه در بسیاری از موارد به تجربه ثابت شده است که افزایش اراضی طرح ریزی

شده به میزان زیادی برای حفاظت از طبیعت ممکن است امری واقع‌گرایانه نباشد. به نظر بورودین و ایساکف<sup>۱</sup> تنها راه ممکن تعمیق و گسترش فعالیتها در اراضی حفاظت شده می‌باشد. البته انجام این کار نیز خالی از مشکل نخواهد بود، به ویژه زمانی که اراضی طرح ریزی شده در آن واحد بخواهند نقشهای مختلف حفاظت را یکجا ایفاء کنند، و زمانی که این نقشها با یکدیگر تناسبی نداشته باشند مشکل دو چندان خواهد شد (۴).

بعنوان مثال همزمان از نظر فیزیکی و بیولوژیکی بسیار مشکل است که تولیدات چوبی را از یک طرف از منطقه خارج نموده و از طرف دیگر به مطالعه اکوسیستم طبیعی آن پرداخت، این نوع فایده مندیها مانعه‌الجمع هستند. تصادفاً انواع مختلفی از این فایده مندیها همیشه در این مناطق در رقابت با یکدیگر قرار داشته و امکان سازگاری آنها کمتر وجود دارد و فقط در صورت بررسی و دسته بندی فعالیتها و اعمال مدیریت صحیح و مناسب است که از این اراضی طبیعی می‌توان فواید قابل ملاحظه حاصل کرد. بعنوان مثال شاید فعالیت‌هایی نظیر حفاظت از اکوسیستمهای نمونه، پژوهش و نظارت پیوسته<sup>۲</sup> در جوار یکدیگر قابل انجام باشند (۳).

طبقه بندی مدیریت به طوری که هر طبقه بیانگر توافق و سازگاری با نوع خاصی از فایده مندی باشد کاملاً قابل طرح ریزی و اجراست. در یک طبقه مشخص که دارای مدیریت ویژه‌ای است هیچیک از فایده مندیها در رقابت با یکدیگر قرار نداشته و نمی‌توانند امکانات دستیابی به سایر فایده مندیها را تحت الشعاع قرار دهند. (۳) برای سهولت کار باید اراضی مختلف حفاظت شده هرچه بیشتر طبقه بندی شده و تخصصی تر شوند و با کم کردن دامنه وظایف و نقشها، هر یک از اراضی به طور مشخص به نقش و کارکرد ویژه‌ای اختصاص یابد. با توجه به ضرورت‌های فوق تنوع تیب اراضی طرح ریزی شده برای حفاظت از طبیعت به طور چشمگیری افزایش یافته است و از این پس نیز افزایش خواهد یافت. فهرست تهیه شده به وسیله اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی نشان می‌دهد که در همه نقاط جهان کم و بیش وضع مشابهی وجود دارد. (۴) گرچه این فهرست در حال حاضر فقط میراث‌های فرهنگی، پارک‌های ملی، ذخیره‌گاههای طبیعت و ذخیره‌گاههای بیوسفر را در برمی‌گیرد و بدلیل نارسائی‌های موجود هنوز جزایر حفاظت شده، پارک‌های ملی دریایی و پارک‌های ایالتی در آن وارد نشده‌اند، معذراً ملاحظه می‌شود که

در طبقه ذخیره گاههای طبیعت ۳۰ نوع ذخیره گاه مختلف تحت این عنوان وجود دارد . (۴) در شوروی ۶۰ تیپ مختلف حفاظت از طبیعت وجود دارد و پارکهای ایالتی آن از مهم ترین مناطق تحت مدیریت این کشور به شمار می آیند . کلیه این تپها در ۷ طبقه اصلی به طوری که وظائف آنها با یکدیگر تعارضی نداشته باشند ، به ضابطه کشیده شده و تحت مدیریت قرار گرفته اند . (۴)

بدون هیچ تردیدی می توان گفت که فهرست فراهم شده مبین پیشرفت و توجه ملل جهان به امر حفاظت می باشد ولی متاسفانه اطلاعات کنونی فقط گویای وضعیت کلی مناطق بوده و کیفیت مدیریت آنها را نشان نمی دهد . در صورتی که اصلا " موضوع بدین شکل مطرح نیست که چند صد یا هزار هکتار حفاظت گردیده است ، یا تعداد مناطق حفاظت شده چقدر است ؟ بلکه آنچه اهمیت دارد کیفیت و چگونگی مدیریت در مناطق است و این که مناطق حفاظت شده به اهدافی که موجودیت آنها وابسته بدان است تا چه حد رسیده اند ؟ متاسفانه در این مورد هنوز پاسخ روشنی وجود ندارد و از کیفیت مدیریت مناطق مطلقا " تصویر واضحی در دست نیست (۳) . بویژه در مناطقی که هدفهای چندگانه و متعدد پیگیری می شود به نظر می رسد هنوز مدیریت مناسبی که بتواند کلیه هدفها را به طور یکسان به منصفه ظهور رساند پیدا نشده است . در واقع دستیابی به اثرات و فایده مندیهای چندگانه این گونه مناطق منوط به اعمال مدیریتی فعالانه و آگاهانه است . بعنوان نمونه حفظ ذخائر توارشی ، حفظ ارزشهای زیبایی شناسی ، حفظ میراثهای فرهنگی ، حمایت از گونه های نادر و یا در معرض خطر در زیستگاههای ویژه ، حفظ اکوسیستمهای نمونه ، حفظ و نگهداری تعادل اکولوژیک ، استفاده عقلایی از منابع بیولوژیک ، ایجاد موقعیتهای تفرجگاهی بدلیل شهرگرایی و توسعه شهرها ، فعالیتهای احیاء و ترمیم و نظایر آن هر یک یا گروهی از آنها به نوعی مدیریت خاص نیاز دارند . ضمنا " اهداف هر یک از مناطق واقع در طبقه بندی مدیریت ، نسبت به مسائل علمی ، آموزشی و تفرجگاهی با یکدیگر متفاوت بوده و باید فعالیتهای متناسب خود را با اهداف از پیش تعیین شده تطبیق دهند . از طرف دیگر موانع عمده زیادی در راه حفظ طبیعت وجود دارد که حتی دستیابی به اهداف حفاظت را در چهارچوب شبکه جهانی مناطق حفاظت شده در تمامی طبقه ها مشکل تر می نماید . عمده ترین این موانع در استراتژی جهانی حفاظت از طبیعت بقرار زیر ذکر شده اند :

۱- این تصور که امکان حفظ منابع زنده در بخشهای محدود و جداگانه امکان پذیر است ، در حالیکه حفظ منابع زنده نیاز به سیستم حفاظتی بازتر و وسیعتری داشته و

ضمناً " امری است مربوط به همه بخش‌های جامعه و همه جوامع دنیا، به عبارت دیگر موضوعی کاملاً " جهانشمول می‌باشد .

۲- اتخاذ آندسته از شیوه‌های توسعه که مبتنی بر منافع کوتاه مدت و محدود بوده و به همین دلیل اثرات زیان بار و گاه غیر قابل برگشتی در طبیعت و منابع طبیعی برجای می‌گذارد .

۳- عدم کفایت در حفظ طبیعت بعلت نارسائی‌های مختلف در زمینه‌های برنامه ریزی، قوانین، فقدان نیروی انسانی کارآمد و فقدان شناخت الویتها از نظر بهره‌وری و احیاء .

۴- عدم پشتیبانی از حفاظت طبیعت بعلت فقدان آگاهی نسبت به فواید حفاظت در سطح عام و به طور خاص در سطح تصمیم گیران دولتی .

۵- فقدان شیوه‌های توسعه مناسب و سازگار مبتنی بر حفظ طبیعت در کشورهای در حال توسعه . (۳)

طبقه بندی مناطق حفاظت شده: براساس اطلاعات اخذ شده از مرکز نظارت پیوسته زیست محیطی اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (سپتامبر ۱۹۸۳) در حال حاضر ۳۰۸۱ منطقه حفاظت شده در دنیا وجود دارد . این مناطق سطحی برابر با ۴۰۴۷۸۸۹۰۹ هکتار را در ۱۲۱ کشور می‌پوشاند . این مناطق از نظر مدیریت در طبقه‌های زیر قرار دارند که در سه گروه تقسیم بندی می‌شود (۶۳):

الف: مناطق حفاظت شده واقع در طبقه‌هایی که مسئولیت نظارت بر آنها برعهده کمیسیون پارک‌های ملی و مناطق حفاظت شده است و نیازهای فنی این طبقه‌ها به وسیله کمیسیون فوق برآورده می‌شود . این گروه شامل طبقه‌های زیر می‌شوند:

۱- ذخیره گاه‌های علمی - ذخیره گاه‌های طبیعت محدود شده

۲- پارک‌های ملی - پارک‌های ایالتی

۳- آثار طبیعی ملی و چشم‌اندازهای طبیعی

۴- ذخیره گاه‌های طبیعت حفاظت شده، ذخیره گاه‌های طبیعت مدیریت یافته،

پناهگاه‌های حیات وحش

۵- چشم‌اندازهای حمایت شده

ب: طبقه‌هایی که به طور کلی برای اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی دارای اهمیت ویژه‌ای هستند و معمولاً " در کلیه کشورهای جهان یافت می‌شوند،

ولی منحصرًا "مورد توجه کمیسیون پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده قرار ندارند. در عین حال کمیسیون فوق ممکن است بخواهد بر هر یک از آنهایی که از نظر حفاظت از طبیعت اهمیت دارند نظارت داشته یا از لحاظ فنی اظهار نظر کند.

این گروه شامل مناطق واقع در طبقه های زیر می باشد:

۶- منابع ذخیره گاهی

۷- ذخیره گاههای انسان شناسی، اراضی حیاتی طبیعی

۸- ذخیره گاههای مختص استفاده چند جانبه، منابع مدیریت یافته

ج: طبقه هایی که بخشی از برنامه های بین المللی بوده و در بعضی از موارد نیز ارتباط خاصی با حفاظت از طبیعت دارد. این طبقه ها از نظر حمایتی به طبقه قبلی تعلق داشته و کمیسیون پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده ممکن است برای نظارت بر این طبقه ها با سایر موسسات اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی تبادل نظر و از لحاظ کارشناسی و فنی همکاری کند. این طبقه ها عبارتند از:

۹- ذخیره گاههای بیوسفر

۱۰- میراثهای فرهنگی و طبیعی جهانی

کمیسیون پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده با مطالعه ای که در مورد ارتباط این طبقات دهگانه انجام داده به این نتیجه رسیده است که هر طبقه را می توان به عنوان یک سیستم مدیریت تحت ضوابط معینی قرارداد و برای هدفهای خاصی طرح ریزی نمود. ضمناً ذکر این نکته نیز ضروری است که هیچیک از طبقات ذکر شده به تنهایی قادر به برآورد همه نیازهای یک جامعه نبوده و فقط در صورتی که به طور همزمان همه آنها به کار گرفته شود ثمربخشی لازم را می تواند داشته باشد. خوشبختانه این طرز تلقی از پیوستگی و لزوم یکپارچگی مناطق واقع در طبقات دهگانه، در بسیاری از کشورها رشد پیدا کرده است و به همین دلیل مناطق حفاظت شده در همه دنیا در حال افزایش است. هاریسون<sup>۱</sup> میلر<sup>۲</sup> و مک نیلی<sup>۳</sup> گرچه به این موضوع معترف هستند ولی آنرا هنوز خوشبینانه و ایده آلیستی می پندارند و اذعان دارند که رشد مناطق حفاظت شده در تمامی طبقات دهگانه جای هیچگونه مباحثاتی نداشته و در برابر روند پرشتاب تخریب طبیعت چنین

1- Harrison

2- Kenton Miller

3- Mac Neely



رشدی نمی‌تواند تعیین کننده و کارساز باشد. آنها به گزارش‌های پژوهشگرانی نظیر ما<sup>۱</sup>، ارلیخ<sup>۲</sup> و دوروژنی<sup>۳</sup> استناد می‌کنند که موارد بیشتری از تخریب طبیعت در چهار گوشه جهان را به کرات به تصویر کشده‌اند. مسلماً این روند به طور نابرابری بر رشد مناطق حفاظت شده تفوق داشته و کلیه کوشش‌های حفاظتی را خنثی کرده و بی اعتبار می‌سازد. پژوهشنامه اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی نیز براساس نتایج تحقیقات انجام گرفته و مبتنی بر واقعیات، آمار و ارقامی را ارائه می‌دهد که عمق فاجعه را با وضوح بیشتر نشان می‌دهد.

این پژوهشنامه تأکید دارد که ظرفیت کره زمین برای تامین معاش مردم در کشورهای در حال توسعه و پیشرفته هر دو به طور جبران ناپذیری در حال کاهش است، زیرا هر ساله میلیاردها تن خاک بر اثر جنگل زدایی و مدیریت نادرست اراضی از بین می‌رود. هر ساله در کشورهای توسعه یافته ۳ هزار کیلومتر مربع از زمینهای مرغوب زیر فعالیتهای توسعه انسانی، احداث ساختمانها و جاده‌ها قرار گرفته و برای همیشه از بین می‌روند. صدها میلیون نفر از روستائیان کشورهای در حال توسعه ناگزیر منابع طبیعی رهائی‌بخش خود را از فقر و گرسنگی از بین می‌برند. در سرتاسر جهان عمر مفید سدها در اثر رسوبگذاری و فرسایش خاک تا نصف کاهش می‌یابد، سیلابها هر ساله خسارات مالی و جانی بیشتری برجای می‌گذارند. همین گزارش میزان خسارت سالیانه ناشی از سیل را در هندوستان ۷۵۰ - ۱۴۰ میلیون دلار برآورد می‌نماید. جنگلهای حاره با چنان سرعتی از بین می‌روند که تا پایان قرن حاضر دیگر اثری از آنها باقی نخواهد ماند و سیستمهای حیات‌بخش بویژه منابع آبی در معرض شدیدترین آلودگیها قرار دارد. (۳). در پژوهشنامه ذکر شده نظایر این گونه روندهای فاجعه آمیز فراوان بوده و مشروح تر نیز بیان شده‌اند. با توجه به این گونه واقعیتهای است که رشد مناطق حفاظت شده کاملاً " رنگ باخته بنظر می‌آیند. علاوه براین، مناطق حفاظت شده از نظر روشهای مدیریت در سطح جهان هنوز گرفتار مسائل بی شماری هستند که بموازات روندهای تخریبگراییانه ذکر شده در صحنه طبیعت، آنها را از دستیابی به اهداف حفاظت باز می‌دارد. این مسائل اغلب با یکدیگر مشابه و همگون می‌باشند و کنتون میلر عمده ترین مسائل مناطق حفاظت شده را بقرار زیر

1- N. Myers

2- P. Erlich, A. Erlich

3- M. Dourojeanni

ذکر می‌کند:

۱- پندار انتزاعی نسبت به مناطق: در این نوع طرز تفکر مدیریت پارکهای ملی و سایر مناطق مشخصاً "بر مسائل درونی محدود آنها استوار بوده و محیط اطراف آنها در مدیریت مناطق محلی از اعراب ندارد. در این نوع طرز تفکر انتزاعی، مناطق تحت مدیریت همانند جزایر مجزائی متصور می‌شوند که هیچگونه ارتباطی با محیط بیرون از خود ندارند.

۲- وجود دیدگاه تنگ نظرانه نسبت به فواید مناطق در ارتباط با نیازهای انسان: در مورد فوایدی که در اثر مدیریت مناطق حفاظت شده بدست می‌آید داوری بسیار تنگ نظرانه و محدودی وجود دارد و اصولاً "به ارتباط ثمرات حاصل از مناطق با نیازهای اساسی مردم اهمیت ناچیزی داده شده است.

۳- اعمال سیاستها و مدیریت های منسوخ شده: معمولاً آنچه از مدیریت تا بحال استنباط و اجراء شده است بر اساس اندیشه رایج و احکام جزمی بوده است و مدیریتی است منسوخ شده که دانش و معرفت علمی و فنی در این گستره کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۴- دادن اطلاعات نامناسب به مردم: اطلاعاتی که در مورد ارزشیابی مناطق طبیعی و بکر برای مردم فراهم شده اغلب به مسائل عام و بیشتر احساسی محدود بوده و در این چهارچوب تنگ باقی مانده است، به طوری که کمترین اثری از پیوندهای مردم و منابع طبیعی در آنها دیده نمی‌شود.

۵- ضعف پایه علمی برای مدیریت: قابلیت زیست و دوام پارکهای ملی و ذخیره گاهها از نظر بیولوژیک در دراز مدت قابل تردید است، به این دلیل که بیشتر مناطق قبل از تکوین علوم مربوط به حفاظت بیولوژیک احداث شده‌اند. بیشتر مناطق موجود از نظر بیولوژیک فاقد وسعت لازم بوده و ضمناً دارای شکل بسیار نامنظم و حاشیه پرتضاریس می‌باشند. یکپارچگی اکوسیستمها مشتمل بر فرایندهای اکولوژیک مهم و ضرورت‌های زیستگاهی به قلمروی بیش از آنچه هم اکنون تحت پوشش مناطق حفاظت شده قرار دارند نیماز دارد. (۶)

مک فارلند<sup>۲</sup> نیز علاوه بر موارد فوق به دو مورد دیگر نیز اشاره می‌کند: فقدان

رابطه بین مردم و موسسات ذیربط و فقدان ارتباط بین مناطق حفاظت شده با مردم ، موسسات و فعالیتهای اراضی محیطی مجاور مناطق (۵) .

ولی مشکل اصلی در کشورهای در حال توسعه جدا از مسائل فوق این است که اصولاً ارزشهای حفاظت از طبیعت در دیدگاه و اندیشه تصمیم گیران دولتی محلی از اعراب ندارد و فقدان آگاهی در سطح دولتمردان سبب بروز بسیاری از ناهنجاریهای فعلی در عرصه مناطق حفاظت شده می باشد . نحوه مدیریت اگرچه در این مناطق به شیوه های قدیمی بوده و با شیوه های مدیریت چند دهه پیش از این پهلو می زند، معدها آنچه در شرایط فعلی بیش از همه موجودیت این مناطق را ، حتی در میان مدت تهدید می کند فقدان آگاهی و عدم حمایت جدی در سطح دولت می باشد . در این گونه از کشورهای تفوق وجه بهره وری از منابع بروجه حفاظتی از آنها باعث شده است که انواع فعالیتهای مخرب انسانی به عرصه مناطق تحت حفاظت کشیده شده و آنها را در دستیابی به اهداف حفاظت کم و بیش نارسای خودباز دارد . به عنوان نمونه منظومه مناطق تحت مدیریت رسمی ایران مشتمل بر ۷ پارک ملی ، ۳۴ منطقه حفاظت شده و ۱۸ پناهگاه حیات وحش و ۲ اثر طبیعی ملی است ( ۶ منطقه با نام مشترک منطقه حفاظت شده و پناهگاه آگهی شده اند ) . تقریباً در کلیه این مناطق انواع فعالیتهای مخرب انسانی رواج داشته یا دارد و رابطه انسان با طبیعت عمیقاً " تخریبگرایانه است . مسلماً " این تخریب با معضلات بیشمار اجتماعی که خود معلول نارسائیهای بنیاد ها و سیاستهای اجتماعی - اقتصادی است همپیوندی داشته و بازرش آنها نیز وسعت و دامنه بیشتری پیدا خواهد کرد .

در بیش از ۸۰ درصد مناطق حفاظت شده و پناهگاههای حیات وحش — جمعیت پستانداران آسییهای جدی وارد شده و بسیاری از آنها بویژه گونه های دشتزی در معرض خطر تهدید قرار دارند . پوشش گیاهی بیش از ۷۰ درصد مناطق حفاظت شده و پناهگاههای حیات وحش در اثر بهره وری مفرط قابلیتهای خود را جهت ترمیم در کوتاه مدت از دست داده اند . ( ۱ )

و این در حالی است که روی حفاظت و موازین قانونی حفاظت کلیه مناطق ثبت شده در فهرست اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی تاء کیدی خاص صورت گرفته است و اصولاً " نحوه گزینش آنها بر سه اصل زیر استوار بوده است :

۱- معیار انتخاب موافق با ضوابط تعیین شده در یازدهمین مجمع عمومی اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی در سال ۱۹۷۲ بوده است .

۲- کلیه مناطق از بدو تاسیس می‌بایست از پشتوانه قانونی و دائمی حفاظت برخوردار باشند .

۳- مناطقی که به صورت دو فاکتو<sup>۱</sup> تحت مدیریت قرار دارند همانند مناطقی که تحت حفاظت دو ژور<sup>۲</sup> قرار دارند از امتیاز برابری برخوردار بوده‌اند . در تنظیم فهرست پارک‌های ملی و ذخیره گاه‌های همپایه ، مناطق وارد شده در فهرست می‌بایست از کلیه امکانات و تسهیلات لازم جهت حفاظت برخوردار بوده و موازین قانونی حفاظت از آنها توسط ذیصلاح ترین مرجع قانونگذاری کشور تعیین و تأیید شده باشد .

مناطقی که به صورت دو فاکتو تحت مدیریت قرار می‌گیرند مناطقی هستند که اهدافی را تأمین می‌کنند که در ابتدای امر برای آن منظور، ایجاد نشده‌اند " مثلاً " در صورتیکه جنگلهای مختص استفاده چندجانبه به طور ضمنی اهداف حفاظت رانیز به صورت یک هدف ثانویه و اما ضرور برآورده نمایند این مناطق را می‌توان مناطق حفاظت شده غیر رسمی و بالفعل یا دو فاکتو نامید . مانند جنگلهای ملی تحت مدیریت استفاده چند جانبه امریکا که در مورد آنها حفاظت به صورت یک هدف ثانویه ضرور مطرح گشته است . مناطق حفاظت شده‌ای که به صورت دو ژور تحت مدیریت قرار دارند مناطقی هستند که موجودیت آنها وابسته به هدف اولیه‌ای است که در ابتدای امر اختیار شده و این مناطق کاملاً " در جهت و راستای تأمین چنین هدفی قرار دارند (۲) .

تلفیق ورده بندی اهداف و فعالیتهای سازگار برحسب اولویتهای در طبقه های دهگانه مدیریت :

۱- حفظ اکوسیستمهای نمونه در حالت طبیعی : جز در طبقه های ۵ و ۶ در طبقه طبقه ها در اولویت قرار داشته و هدف اولیه محسوب می‌شود . در طبقه ۵ هدف ثانویه و در طبقه ۶ هدفی فرعی است ، البته در صورتیکه سایر هدفها اجازه و امکان دهند قابل پیگیری است .

۲- نگهداری تنوع اکولوژیک : در طبقه های ۲ و ۳ و ۷ و ۹ و ۱۰ هدف اولیه محسوب می‌شود و در طبقه های ۴ ، ۵ و ۶ هدف ثانویه و در بقیه طبقه ها هدف فرعی است .

۳- حفاظت از منابع ژنتیکی : جز در طبقه های ۵ و ۶ و ۸ در بقیه طبقه ها هدف اولیه محسوب می‌شود ، در طبقه ۵ هدف ثانویه و در بقیه طبقه ها هدف فرعی به شمار می‌آید .

۴- زمینه‌های آموزش، پژوهش و نظارت پیوسته در طبقه‌های ۱ و ۳ و ۴ و ۹ و ۱۰ هدف اولیه بوده و در طبقه‌های ۲ و ۵ و ۷ و ۸ هدف ثانویه و در طبقه ۶ هدف فرعی است.  
۵- حفاظت از تولیدات عمده آبخیزها؛ جز در طبقه ۵ که هدف اولیه است در بقیه طبقه هدف فرعی است.

۶- حفاظت از تاسیسات پایاب رودخانه‌ها و کنترل فرسایش؛ در تمامی طبقه‌ها بعنوان هدف فرعی است.

۷- بهره‌وری تولیدی از حیات وحش، صید و شکار ورزشی؛ فقط در طبقه ۸ هدف اولیه بوده، در طبقه ۳ هدف ثانویه بشمار می‌رود و در طبقه‌های ۹ و ۷ و ۶ هدف فرعی است.  
۸- توریسم و تفریح؛ در طبقه‌های ۱۰ و ۸ و ۲ هدف اصلی است و در طبقه ۳ هدف ثانویه و در طبقه‌های ۹ و ۷ و ۴ هدف فرعی است و در بقیه طبقه‌ها اصلاً "نمی‌تواند مطرح گردد".

۹- تولید چوب و علوفه برای تولید مستمر؛ در طبقه ۸ هدف اصلی است و طبقه‌های ۴ و ۷ و ۹ هدف فرعی است و در بقیه طبقه‌ها مطرح نیست.

۱۰- حفظ میراث‌های فرهنگی؛ در طبقه ۲ و ۵ و ۷ و ۱۰ هدف اصلی است در طبقه ۹ هدف ثانویه و در طبقه‌های ۳ و ۶ و ۸ هدف فرعی است.

۱۱- حفاظت از مناظر و زیبایی‌ها؛ در طبقه ۲ و ۵ و ۱۰ هدف اصلی است، در طبقه‌های ۳ و ۴ و ۹ هدف ثانویه است و در طبقه ۱ هدف فرعی است و در بقیه طبقه‌ها میسر نیست.

۱۲- استفاده چند جانبه؛ در طبقه ۶ و ۸ هدف اصلی است در طبقه ۹ هدف ثانویه و در طبقه‌های ۷ و ۱۰ هدف فرعی بوده و در بقیه طبقه‌ها قابل انجام نیست.

۱۳- استفاده معقولانه از اراضی حاشیه برای توسعه روستایی؛ در طبقه‌های ۲ و ۵ و ۸ هدف اصلی است و در طبقه ۶ هدف فرعی محسوب می‌شود و در بقیه طبقه‌ها هدف ثانویه بشمار می‌رود. (۲)

همانطور که دیده می‌شود از طریق مدیریت مناسب می‌توان با توجه به فعالیت‌های سازگار و در نظر گرفتن اولویتها، گروهی از هدفها را در هر طبقه پیگیری نمود و از تمام قابلیت‌ها و ویژگی‌های مناطق واقع در هر طبقه به نحو مطلوبی بهره‌مند شد.

انطباق مناطق حفاظت شده ایران با طبقه بندی اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی:

– پارکهای ملی ایران با توجه به تعریف پارکهای ملی و سایر معیارهای اتحادیه فوق، از نظر مدیریت و هدفها می توانند با مناطق واقع در طبقه ۲ طبقه بندی دهگانه اتحادیه فوق منطبق باشند.

– پناهگاههای حیات وحش منطبق با مناطق طبقه ۴ این طبقه بندی می باشند.

– مناطق حفاظت شده می توانند همپایه با چشم اندازهای حمایت شده در طبقه ۵ قرار گیرند.

– آثار طبیعی و ملی: این مناطق که به تعداد معدودی تحت مدیریت سازمان محیط زیست قرار دارند در طبقه ۳ جای دارند.

– ذخیره گاههای بیوسفر: از میان مجموعه مناطق تحت مدیریت سازمان محیط زیست ۹ منطقه (پارکهای ملی کویر، گلستان، ارومیه، مناطق حفاظت شده توران، گنو، حرا، ارژن، ارسباران و پناهگاه حیات وحش میانکاله) بعنوان ذخیره گاه بیوسفر در اختیار برنامه انسان و کره مسکون قرار گرفته است که این مناطق معادل مناطق واقع در طبقه ۹ می باشند.

– میراثهای جهانی: میراثهای جهانی ثبت شده کشور ایران در طبقه ۱۰ قرار می گیرند و از این میان می توان چغا زنبیل واقع در منطقه حفاظت شده دزوکرخه را نام برد.

– برخی از گونه های نادر با جوامع گیاهی با رویشگاه محدود از مجموعه پوشش گیاهی ایران نظیر زربین حسن آباد، سروخمره ای در علی آباد گرگان و جوامع سرخدار در افراخته وزیر آب که در شرایط حاضر تحت مدیریت سازمان جنگلها و مراتع قرار دارند در طبقه ۳ جای می گیرند در حالیکه اگر تحت مدیریت سازمان محیط زیست قرار داشتند به لحاظ اعمال مدیریت متفاوت همانند اثر طبیعی و ملی خشکه داران که باقیمانده جامعه توسکا – لرگستان جلگه های شمال کشور است همردیف طبقه ۳ نیز می توانستند قرار گیرند.

## نتیجه

طبقه بندی اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی بعد از گذشت یکدهه هنوز ارزش خود را حفظ نموده و بعنوان راهنمایی است برای گزینش مناطق بر اساس ضوابطی روشن، هدفمندی مشخص و مدیریت صحیح و سازگار. در صورتی که ضوابط تعیین شده جهت مدیریت مناطق در هر طبقه به درستی بکار گرفته شوند کلیه هدفهای پیش‌بینی شده در کلیه طبقه ها برآورد شده و گام موثری در تحقق بخشیدن به استراتژی جهانی حفاظت از طبیعت در عرصه محیط طبیعی خواهد بود.

لزوم اجرای ضوابط و مقدم بر همه لزوم حفاظت موثر از مناطق و همین طور حمایت اجتناب ناپذیر دولت‌ها از آنها، جلب همکاری مردم و بالاخره بکارگیری و اجرای کامل آئین نامه های جهانی موجود در ارتباط با حفاظت مناطق یکبار دیگر در کنفرانس جهانی پارک‌های ملی بالی اندونزی (اکتبر ۱۹۸۲) مورد تاکید واقع شد تا مناطق حفاظت شده واقع در کلیه طبقه های دهگانه رده بندی اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی بتوانند کلیه هدفهای مربوط به منابع زنده را که در ارتباط تنگاتنگ با بقاء و نیازهای اساسی انسان قرار دارند به نحو مطلوبی برآورده سازند (۶).

## منابع مورد استفاده

- ۱- مجنونیان هنریک، (۱۳۶۵)، بررسی مناطق چهارگانه تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست در روند دگرگونیهای طبیعت، دفتر محیط زیست طبیعی.
- ۲- مجنونیان هنریک، پارکهای ملی و ذخیره گاههای همپایه - معیارهای طبقه بندی - اهداف، نحوه مدیریت، ضوابط گزینش جهت فهرست بندی، مونوگراف مرکز هماهنگی مطالعات محیط زیست دانشگاه تهران، (در دست چاپ).
- 3- Borodin, A.M.: Isakov, Yu.; Krinitsky, V.V., (1983).  
The System of Natural protected areas in the U.S.S.R.  
Contribution of the first international B.R. Congress,  
Minsk UNESCO-UNEP.
- 4- IUCN/UNEP/WWF (1980) World conservation strategy  
Living Resource Conservation for sustainable development.
- 5- Macfarland, Craig, (1983), Relating the Biosphere  
Reserve to other protected area Management categories,  
UNESCO-UNEP.
- 6- Miller, Kenton, (1983), Biosphere Reserves and the  
global Network of protected areas UNESCO-UNEP.